

## را-نو آوران از جهان-نهان-م-شوند؟



هنر نهان شدن از خوشتن و جهان، بخش از تاریخ ادبیات از زمان هومر است. زهدا انزوا نیست. شاد به همین خانواده بزر برردد، اما برادرش نیست. زهد و انزوا تا حدود زیاد دو انتخاباند ه از خرد و فلسفه و بنش مآند به همین دلد معمولاس از اناشتن به سن حمت و خت و دراز راه مرسند؛ مآند انزوا اب العلاء معر

نهان شدن ز در است. شاد نلهادورش ببرد و درهر آذ. رمذاست ه نمذوان توضحش دادا بر از دلال آن واقف شد. دلزد از ز، از ار ه خود به آن دست زده ا خال مند نن رده ا دران مرتبش شدهاند و شاد از همه آن بر باشند، تمال به اضمحلل تا مرحله متلاش شدن در اتاقو در خانه ا در جنون به سب نه و هودلدر لن ا فرار به تبعدها ه نه شمت به مموذ بفتد و نه مموذ تو را ببند. تفاوت نمند. مهم رسدن به نهات عزلت رو حاست

ار از روانشناس برا توضح ان شش مرموز ساخته نیست. ار نمند و آن لحظه راه خلسر در اعماق فرو مرود و تا ابد آنجا سان مشود و ده بار از ه ه س نمذاند و هرز هم نخواهد دانست، نمذواند بخواند

دام بزار امد دنسون را به آن فرار دهشتنا از جهان واداشت تا خودش را سو نه سال در اتاق زرشروانخانه درش محبوس رد؛ سال 1847 و قته هفده ساله بود تا زمان درذشتش درسال 1886. دران مدت تنها دوبار اش به اشنه خانه در خورد. 1800 شعر نوشت و جز 10 تا آنها را منتشر نرد. بقه را زر بالمش نهان رد. انتشار از نظر او «به مزاده ناشتن عقل» بود و او از آن بالا جهان را تماشا مرد

قرن س از درذشت دنسون، نوسنده امرا جد سلنجر همین ار را مند هرند به شل متفاوت. س از موقت رسرو صدرا رمان «ناطور دشت» ه سال 1951 منتشر شد و 65 ملون نسخه آن به فروش رفت و به 30 زبان ترجمه شد، نلهان احساس رمدن سراغش آمد تا «منام و مرموز بودنش را ه به دران به عارت داده» برراند آن طور ه بعدها فت. تا سال 2010 و به مدت هل سال از ددهها نهان شد تا درس نود و سالفوت رد. دران مدت تنها برشتها ؛شبح وار داشت با انتشار داستانها و تاه و شار زنهام سن و سال

درهمن حال در ابتدا دهه شصت، هارر لس از انتشار رمان «شتن مرغ مقلد» با موقت بزر روبه رو شد؛ ملونها نسخه و صدها ترجمه. بعدها دربار ه ان موقت مود؛ «مر سرع... و مهربان بود»... بعد هم نزد به نجاه سال غبش زد تا نلزر و ناخواسته سال ش از مرش درسال 2016 به طور مرذ برشت

اسال مفت، همه مشلات جهان از جا آغاز مشونده آدم از اتاقش برون مزند. اما ونه انسان متواند فرار بزر از خود را محقق نند؟

در عراق نویسنده عبدالرزاق الشخ علا در از روزها سال 1957 از خانه‌اش برون رفت و س از آن س او را ندد. ماجرا نویسنده مصر وجه غلانز همین است ه عزت القمحاو در همین صفحه در باره‌اش منوسد، تفاوت ندان با ماجرا همار عراقاش ندارد؛ ناهان از مصر برون رفت و س نمداندر او از تبعدها به تبعدها در از خود مرخت، انار س ساه‌اش شده بود تا اته در سال 1968 در لندن خودش را خلاص رد. تنها رمان از خود به جانتاشت

بار از فتودور داستاوفس در باره طرح آنده‌اش رسدن و پ مقدمه جواب داد: «جنون». در حقت در طول زنداش جز ارتاب جنون ار نرد و رنه ما «جنات و مافات»، «برادران ارامازوف» و «ابله» را نمخواندم. شاد اولن نفر بوده به روش خاص خودش از خود و جهان رنده بود، خوشبختانه

منبع: الشرق الاوسط فارس